



## عراق: راهی به سوی جلو

سناتور جوزف بایدن

ترجمه از: جلال حاجی زاده

پرزیدنت بوش برای پیروزی در عراق استراتژی خاصی ندارد. استراتژی او تلاش برای جلوگیری از شکست و واگذاری مسئولیت این معضل به نفر بعد از خودش می باشد. به همین دلیل، هر روز تعداد بیشتری از آمریکایی‌ها آگاهانه خواستار عقب‌نشینی سریع (سربازان خود) هستند، حتی اگر به قیمت قرار دادن یک دیکتاتور برای رفع آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی عراق، که ممکن است به یک جنگ منطقه‌ای تبدیل گردد، تمام شود.

با این حال هر دو اینها گزینه‌های نامطلوبی هستند. راه سومی هم وجود دارد که از طریق آن می‌توان به دو هدف مشترک میان اغلب آمریکایی‌ها، که عبارتند از: بازگرداندن نیروهای نظامی به خانه بدون بازگشت هر گونه جنگ و آشوبی به عراق، دست یافت این طرح عبارتست از حفظ یکپارچگی عراق از طریق تقسیم آن به چند فدراسیون، که در آن کردها، سنی‌ها و شیعیان هر کدام در مناطق تحت نفوذ خود اختیار و کنترل لازم را داشته باشند؛ حکومت مرکزی مسئول حفظ و نگهداری منافع مشترکی از قبیل، امنیت مرزی و توزیع درآمدهای نفتی می‌باشد. این ایده سنی‌ها را -که فاقد ذخایر نفتی می‌باشند- با اختصاص و تضمین سهمی متناسب از درآمدهای نفتی، متحد و منسجم می‌سازد. این طرح مستلزم برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی است تا از یک سو بوسیله آن چنین تقسیم قدرتی (مشارکت در قدرت) در عراق تضمین شده و از سوی دیگر زیر نظر گروهی متشکل از قدرتهای بزرگ، یک معاهده غیرنظامی منطقه‌ای بسته شود. این طرح همچنین مستلزم این است که تا تابستان سال (۲۰۰۸) بیشتر نیروهای آمریکایی خاک عراق را ترک کنند و نیروهای باقیمانده بر صداقت و حسن نیت عراقی‌ها و همسایگان‌شان نظارت و کنترل کافی داشته باشند. این طرح موجب افزایش کم‌های اقتصادی و در عین حال حفظ حقوق اقلیت‌ها، ایجاد یک برنامه‌ی اشتغال‌زایی و جذب سرمایه‌ی کشورهای حاشیه خلیج عربی که سرشار از ذخایر نفت هستند، می‌شود. واقعیت جدید و کنونی عراق حاکی از روند فزاینده خشونت‌های عمیق فرقه‌ای بین شیعه و سنی است. در انتخابات دسامبر گذشته، نود درصد آراء به فهرست‌های فرقه‌ای اختصاص یافت. نیروهای شبه نظامی قومی - قبیله‌ای به طور روزافزون در جایگاه مجریان قانون در این کشور قرار می‌گیرند. آنها در میان نیروهای رسمی امنیتی نفوذ کرده‌اند.

بیکاری گسترده ، به ایجاد و تقویت نیروهای شبه نظامی فرقه‌ای در داخل عراق دامن می‌زند. تسویه حساب‌های فرقه‌ای حداقل (۲۵۰/۰۰۰) عراقی را مجبور کرده است که طی چند ماه گذشته خانه و کاشانه خود را رها سازند. در عین حال، القاعده (هم‌اکنون) آنچنان در غرب عراق مستحکم و قدرتمند گردیده، که به یک تهدید جهادی بومی، در داخل عراق تبدیل شده است. از اینرو، خطری که اکنون ایجاد شده و قبل از جنگ عراق وجود نداشت، تبدیل شدن این کشور به پایگاه امنی برای بنیادگرایان تندرو می‌باشد. هیچ راه حل کاملاً نظامی برای (پایان بخشیدن به) جنگ فرقه‌ای داخلی در عراق وجود ندارد. تنها برای قطع دور خشونت‌ها در عراق و ایجاد زمینه‌های لازم جهت بازگشت نیروهای نظامی‌مان- تشویق شیعه‌ها، سنی‌ها و کردها نسبت به پیگیری مسالمت‌آمیز منافعشان می‌باشد، که این مهم مستلزم اجرای تقسیم قدرت به صورت عملی و عادلانه، در میان آنها می‌باشد؛ از اینروست که طرح پیشنهادی من به این مسئله می‌پردازد. این طرح، طرح تجزیه عراق نیست؛ در واقع این طرح می‌تواند تنها راه برای جلوگیری از تجزیه عراق و حفظ عراق یکپارچه باشد. این طرح مطابق با ساختار عراق بوده، به نحوی که موجب می‌شود (۱۸) استان عراق در عین اتحاد و پیوستگی با یکدیگر در مناطق مختلف، هر کدام نیروهای امنیتی مخصوص به خود را داشته و بر اغلب مسایل روزمره کنترل و نظارت داشته باشند. چنین طرحی تنها ایده‌ی ممکن جهت برخورد با نیروهای شبه‌نظامی می‌باشد؛ نیروهایی که بالطبع مایلند به مناطق اولیه خود باز گردند. این طرح همسو با تشکیل یک حکومت مقتدر مرکزی با مسئولیت‌های تعریف شده و شفاف می‌باشد. در واقع، این طرح دستورالعملی برای چنین حکومتی مشخص می‌کند؛ حکومتی که صرف وجود آن به خشونت‌های فرقه‌ای پایان نمی‌دهد. بوسیله می‌تواند نمونه‌ی واضح و درخور توجهی باشد. (۱۰) سال پیش، بوسیله خاطر تسویه حساب‌های قومی در حال تجزیه و نابودی بود. ایالت متحده برای حفظ تمامیت ارضی این کشور با قاطعیت و جدیت وارد عمل شد و با همراهی موافقتنامه (Dayton Accord)، از طریق تقسیم آن به چند فدراسیون قومی به این مهم نائل شد حتی به مسلمانان، کرووات‌ها و صرب‌ها اجازه داده شد که نیروهای نظامی مستقل و جداگانه‌ای برای خود داشته باشند. بوسیله یک دهه است که به کمک نیروهای آمریکایی و همپیمانانش در صلح و آرامش زندگی می‌کند. بطوریکه اکنون آنان در حال تقویت حکومت مرکزی و انحلال نیروهای مجزا و مستقل خود هستند.

روندی که اکنون (درعراق) در پیش گرفته شده است منجر به بروز یک جنگ شدید داخلی و احتمالاً جنگ منطقه‌ای می‌شود و این طرح برای جلوگیری از وقوع چنین جنگ‌های ارائه شده است. بر این باور هستم که این طرح بهترین راه برای بازگرداندن نیروهایمان به خانه، حفظ منافع اساسی امنیتی‌مان، و حفظ عراق به صورت کشوری یکپارچه و واحد می‌باشد.

سؤالی که بنده در پاسخ به تمام کسانی که به سادگی این طرح را رد می‌نمایند، طرح می‌کنم اینست که: آلتزناتیو شما چیست؟

جو.بايدن

طرحی پنج مرحله ای برای عراق

تثبیت يك عراق با سه اقليم:

۱-۱. تبدیل عراق به فدراسیونی هماهنگ با ساختار آن از طریق ایجاد سه ناحیه برگ و مستقل - شیعه، سنی، کرد - همراه با يك حکومت مرکزی مقتدر و در عین حال محدود در بغداد

۱-۲. واگذاری منافع مشترك عمومی به عهده ی حکومت مرکزی. مسائلي مانند: دفاع مرزي، سياست خارجي، توليد نفت و درآمدها

۱-۳. تشکیل حکومت های منطقه ای - کرد، سنی و شیعه - که موظف به اداره و کنترل منطقه ی خود باشند.

۲- تقسیم درآمدهای نفتی:

۲-۱. جلب توافق اعراب سنی به قبول يك راه حل فدرالی از طریق تضمین تخصیص ۲۰٪ درآمدهای فعلی و آتی نفت - رقمی که تقریباً متناسب با نفوس جمعیتی آنها می باشد - به طوریکه امکان رشد و توسعه ی اقتصادی منطقه ی آنها را فراهم سازد.

۲-۲. تقویت حکومت مرکزی برای تعیین و تدوین سیاستهای ملی نفتی و توزیع درآمدها، که موجب جذب سرمایه های خارجی، ایجاد تمایل در گروه های مختلف برای حفظ و حراست از امنیت عراق، و نیز حفظ زیربناها و زیرساختهای نفتی عراق می شود.

۳- برگزاری کنفرانس بین المللی، تقویت پیمان منطقه ای غیرنظامی

۳-۱- برگزاری يك کنفرانس امنیتی منطقه ای با همکاری سازمان ملل که در آن همسایگان عراق، که شامل ایران نیز می شود، تعهد نمایند که از موافقتنامه ی تقسیم قدرت در عراق حمایت کنند و مرزهای عراق را به رسمیت بشناسند.

۳-۲- درگیر کردن مستقیم همسایگان عراق برای رفع بی اعتمادی و تمرکز تلاش هایشان به منظور برقراری ثبات در عراق و عدم بی توجهی به آن

۳-۳- ایجاد يك گروه کاری پویا و پایدار از میان قدرتهای بزرگ، که با تعهد همسایگان عراق به توافقات قبلی همراه باشد.

۴- عقب نشینی مسئولانه ی نیروهای آمریکایی:

۴-۱- ترغیب فرماندهان نظامی آمریکا برای تدوین و تهیه ی طرحی جهت عقبنشینی و بازگشت تقریباً تمام نیروهای آمریکایی تا تابستان ۲۰۰۸

۴-۲- نگه داشتن تعدادی کمی از نیروهای باقیمانده ( شاید ۲۰۰۰۰ نیرو ) در داخل ویا نزدیک عراق برای ممانعت از تشکیل گروه‌های تروریستی، کمک به تداوم و ارتقای حسن‌نیت همسایگان و نیز آموزش ارتش عراق

۵- افزایش کمکها در راستای بازسازی عراق و ایجاد و طراحی برنامه‌ی اشتغال زایی

۵-۱- تأمین کمک بیشتر برای بازسازی عراق، با درنظر گرفتن امنیت اقلیت های گروهی و حفظ حقوق زنان و ایجاد يك برنامه اشتغال‌زایی برای جوانان عراقی تا جایگزینی برای پیوستن به گروه‌های شبه نظامی و باندهای تبه‌کاری قلمداد گردد.

۵-۲- تأکید بر مشارکت کشورهای دیگر در بازسازی عراق، با عمل به تعهدات قبلی و انعقاد قراردادهای جدید، به ویژه کشورهای حاشیه خلیج عربی که سرشار از منابع غنی نفت هستند.

طرحی برای عراق: باید‌ها و نبایدها

بعضی از تحلیلگران یا این طرح را اشتباه متوجه شده‌اند و یا ویژگی‌های آنرا به درستی بیان نکرده‌اند به همین دلیل در اینجا به باید‌ها و نبایدهای این طرح می‌پردازیم.

۱- این طرح، طرح تجزیه نیست. در واقع ، تنها راه ممکن برای جلوگیری از تجزیه خشونت آمیزعراق می‌باشد، تجزیه‌ای که شروع شده و بایستی جلوی آنرا گرفت. طرح، ایجاد يك حکومت مقتدر مرکزی را ایجاب می‌کند که مسئولیتهای تعریف شده و شفافی مانند اتخاذ سیاست خارجی و توزیع درآمدهای نفتی را بر عهده دارد. درحقیقت این طرح ،دستورالعملی را پیش روی حکومت مرکزی قرار می دهد، حکومتی که قادر نیست( همانطور که قبلاً نیز گفته شد) صرف وجودش از خشونت‌های فرقه جلوگیری به عمل آورد.

۲- این طرح، يك طرح تمییلی و وارداتی از خارج به شمار نمی آید، بلکه برعکس، با ساختارهای داخلی عراق ، سازگار و هماهنگ می باشد.

طرحی که ایجاد و حفظ (۱۸) استان عراق را، در عین همبستگی و اتحاد، که هر کدام نیروهای امنیتی خود را داشته باشند و بتوانند بر مسائل روزمره کنترلها لازم را داشته باشند، تضمین می‌کند.

روز(۱۱) اکتبر پارلمان عراق قانونی را برای بررسی و ایجاد فدرالیزم تصویب کرد. قبل از دوران استعماری بریتانیا و دیکتاتوری نظامی صدام، عراق شامل سه منطقه ی مستقل و بزرگ بود. اما ایجاد و استقرار فدرالیزم به تنهایی کافی نمی باشد. برای حمایت سنی‌ها، ضرورت داردکه عراقی‌ها بر سر فرمولی در رابطه با تقسیم درآمدهای نفتی به اجماع برسند تا از این طریق پیشرفت اقتصادی منطقه‌ی

سینشین نیز تضمین گردد. ایالت متحده، بایستی قویاً چنین توافقی را راهبردی سازد. تصمیم نهایی با خود عراقی‌هاست، با این وصف اگر در تشکیل زیربنا‌های لازم به آن‌ها مساعدتی نشود، کاری از پیش نمی‌رود. در مقاطع حساس گذشته، ما از نفوذ خود برای شکل‌گیری نتایج و رهاوردهای سیاسی در عراق استفاده کرده‌ایم، که به طور نمونه می‌توان به متقاعد کردن شیعیان و کردها به پذیرش دست زدن به اصلاحاتی در قانون اساسی عراق که شرکت سنی‌ها را در همه‌پرسی تضمین کند، اشاره کرد. استفاده از نفوذ و تأثیر خود به معنای تحمیل اراده و خواسته‌ی خود نیست با وجود (۱۶۰۰۰۰) آمریکایی در معرض خطر ما حق داریم و لازم است که دیدگاه‌های خود را بیان کرده و شفاف‌سازی نمائیم.

۳- این طرح به معنی حمایت و استقبال از تسویه‌حساب‌های فرقه‌ای نیست. متأسفانه، به غلط از طرف برخی به حمایت و استقبال تفسیر شده است و عمس‌العمل‌های خود را نیز به دنبال داشته است. از زمان بمب‌گذاری در مسجد سامرا در ماه فوریه، دو‌یست‌وپنجاه هزار عراقی از ترس تسویه‌حساب‌های فرقه‌ای خانه و کاشانه خود را رها ساخته و فرار کرده‌اند و این مهاجرت (اجباری) هم‌اکنون به (۱۰۰۰۰) نفر در هفته رسیده است. و البته این شامل صدها هزار عراقی نمی‌شود که از زمان جنگ عراق این کشور را ترک کرده‌اند به طوری‌که بسیاری از آن‌ها از طبقات تحصیل‌کرده و متخصصان عراقی به شمار می‌روند. تنها یک ثبات سیاسی که در این طرح پیشنهاد شده، می‌تواند از این روند نگران‌کننده جلوگیری نماید.

۴- این طرح تنها راه عملی برای مقابله با گروه‌های شبه‌نظامی است. این طرح راه حلی واقع‌گرایانه و البته موقت برای رفع این مشکل ارائه می‌دهد. واقع‌گرایانه، به این دلیل که هیچ کدام از گروه‌های بزرگ با نبود اطمینان و اعتماد لازم حاضر به انحلال گروه‌های شبه‌نظامی خود نیستند و این در حالی است که هیچکدام از ما (حکومت عراق و ایالات متحده) ابزارهای لازم را برای اجبار آن‌ها به این کار، در اختیار نداریم. آن هنگام که فدرالیزیم [سیستم فدرالی] نهادینه شد، گروه‌های شبه‌نظامی تمایل پیدا خواهند کرد که به مناطق خود بازگردند و برای حفظ قدرت خود دست از کشتن اعضای گروه‌های دیگر بردارند. اما این فقط یک راه حل موقت است، زیرا هیچ ملتی نمی‌تواند صلح و آرامش خود را از طریق نیروهای نظامی مجزا و خصوصی تأمین کند. با گذشت زمان، اگر ثبات سیاسی محقق شود گروه‌های شبه‌نظامی به نیروهای ملی و منطقه‌ای مبدل می‌شوند. همانند آن چیزی که هم‌اکنون در بوسنی در حال انجام است.

۵- این طرح جواب و راه حلی را برای حل مشکل شهرهای با ترکیب جمعیتی مختلط با خود به همراه دارد. کلان‌شهرهایی با ترکیب جمعیتی گوناگون به رغم هر طرح پیشنهادی دیگری، خطری بزرگ محسوب می‌گردد. نقطه قوت و پایه‌ی اصلی این طرح در این است که ترکیبات جمعیتی ناهمگون و متضاد، تنها در صورتی می‌توانند در

صلح و آرامش بسر برند که تأثیرات مدیریتی آن‌ها با چینش کلی و استقرار قدرت در تضاد نباشد و اگر این محقق شود، مدیریت و رهبری آن‌ها تداوم برقراری صلح در شهرها را فراهم می‌سازد؛ در عین حال بغداد به شهری فدرال تبدیل می‌شود به طوری که اقلیتها را حمایت و احقاق حقوق آنها را تضمین می‌کند. هم‌اکنون امید به برقراری چنین شرایط صلح‌آمیزی چه در خود بغداد و چه در دیگرشهرهای عراق با ترکیب جمعیتی ناهمگرا، بسیار بعید است. اما با ثبات سیاسی، کنفرانس بین‌المللی، و تشکیل گروه کاری مشترک، دیگران تمایل بیشتری به مشارکت پیدا خواهند کرد؛ مانند کشور عربستان سعودی که گسیل نیروهای حافظ صلح خود را قبلاً اعلام و پیشنهاد کرده است.

۶- این طرح همسو با منافع ایران است. ایران، همانطور که نشان داده است، علاقمند است آمریکا در باتلاق عراق بیشر فرو رفته و دامنه خونریزیها بیشتر و وسیعتر گردد. اما دورنمای یک جنگ داخلی به نفع تهران نمی‌باشد: زیرا می‌تواند منجر به سرازیر شدن سیل آوارگان به سمت مرزها و وقوع یک جنگ منطقه‌ای با کشورهای همسایه و طرفهای مقابل و نیز تشدید دامنه‌ی اختلافات شیعه و سنی شود و این در حالی است که همزمان ایران تلاش می‌کند نقش هدایت و تأثیرگذاری خود را در جهان اسلام داشته باشد. ایران همچنین در صورت وقوع جنگ، پذیرای سیل عظیمی از ملیت‌هایی خواهد بود که از کشور خود گریخته‌اند. ایران نیز همچون سایر همسایگان عراق، خواهان اینست که عراق یکپارچه و متحد باقی بماند و به ایالت‌های جداگانه و مستقلاً تجزیه نگردد. ایران تمایل ندارد که شاهد حضور و ظهور کردستانی مستقل باشد، کردستانی که به عنوان الگویی برای پنج میلیون کرد ناآرام و شورشهای آنان تبدیل شود. برای همین است که ایران و تمام همسایگان عراق، می‌توانند و باید از برقراری ثبات سیاسی در عراق حمایت کنند.

۷- این طرح حافظ منافع سنی‌ها، شیعیان و کردها می‌باشد. اهل سنت به طور فزاینده‌ای به این نکته واقف گردیده‌اند که آنها نمی‌توانند دوباره (همچون سابق) قدرت را در عراق قبضه نمایند. سنی‌ها در مواجهه با انتخاب یکی از دو گزینه‌ی زیر، اگر سهمی منصفانه از درآمدهای نفتی را داشته باشند تا از طریق آن منطقه‌ی خود را رونق بخشند، گزینه‌ی دوم را انتخاب می‌کنند: اول اینکه برای همیشه به صورت یک گروه اقلیت تحت کنترل حکومت مرکزی که تحت تسلط شیعیان است، عمل کنند و دوم اینکه برای اداره امور روزمره‌ی منطقه‌ی خود آزادی عمل داشته باشند.

شیعیان می‌دانند که می‌توانند تسلط سیاسی بر عراق پیدا کنند ولی نمی‌توانند آشوب‌های اهل سنت را سرکوب کنند، چرا که می‌تواند سالها خونریزی به بار آورد. ممکن است کردها در آرزوی استقلال باشند اما از واکنش ترکیه و ایران بیمانک‌اند و لذا مایل‌اند تا حد امکان استقلال داشته باشند و در عین حال عراق را به صورت یکپارچه و واحد نگاه دارند.

چرا شیعیان و کردها بایستی قسمتی از درآمدها نفتی (فدرال خود) را به سنیها تخصیص بدهند؟ زیرا این بهای صلح و آرامش و تنها راه برای جذب سرمایه‌گذاریهای گسترده خارجی برای حداکثر تولید نفت در عراق می‌باشد. و نتیجه این خواهد بود که سهم کوچکتري از درآمدهای عظیم نفت به شیعیان و کردها (اختصاص) داده شود و هر سهي این گروه‌ها ترغیب شوند تا از زیرساخت‌های نفتی عراق محافظت نمایند.

ترجمه: جلال حاجی زاده

منبع: [WWW.PLAN.FOR.IRAQ.COM](http://WWW.PLAN.FOR.IRAQ.COM)



## Iraq: A Way Forward

---

<http://planforiraq.com/download>

President Bush does not have a strategy for victory in Iraq. His strategy is to prevent defeat and to hand the problem off to his successor. As a result, more and more Americans understandably want a rapid withdrawal, even at the risk of trading a dictator for chaos and a civil war that could become a regional war. Both are bad alternatives.

There is a third way that can achieve the two objectives most Americans share: to bring our troops home without leaving chaos behind. The idea is to maintain a unified Iraq by federalizing it and giving Kurds, Shiites and Sunnis control over their daily lives in their own regions.

The central government would be responsible for common interests, like border security and the distribution of oil revenues. The plan would bind the Sunnis - who have no oil -- by guaranteeing them a proportionate share of oil revenues. It would convene an international conference to secure support for the power sharing arrangement and produce a regional nonaggression pact, enforced by an Oversight Group of the U.N. and major powers. It would call on the U.S. military to withdraw most U.S. troops from Iraq by the summer of 2008, with a residual force to take on terrorists and train Iraqis. It would increase economic aid but tie it to the protection of minority rights and the creation of a jobs program and seek funding from the oil-rich Gulf Arab states.

The central reality in Iraq is deep and growing sectarian violence between the Shiites and Sunnis. Ethnic militias increasingly are the law in Iraq. They have infiltrated the official security forces. Massive unemployment is feeding the sectarian militia. Sectarian cleansing has forced more than 7 million Iraqis to flee their homes. At the same time, Al Qaeda is now so firmly entrenched in Western Iraq that it has morphed into an indigenous jihadist threat. As a result, Iraq risks becoming what it was not before the war: a haven for radical fundamentalists.

There is no purely military solution to the sectarian civil war. The only way to break the vicious cycle of violence - and to create the conditions for our armed forces to responsibly withdraw -- is to give Shiites, Sunnis and Kurds incentives to pursue their interests peacefully. That requires an equitable and viable power sharing arrangement. That's where my plan comes in. This plan is not partition - in fact, it may be the only way to prevent violent partition and preserve a unified Iraq. This plan is consistent with Iraq's constitution, which provides for Iraq's 18 provinces to join together in regions, with their own security forces, and control over most day-to-day issues. This plan is the only idea on the table for dealing with the militia, which are likely to retreat to their respective regions. This plan is consistent with a strong central government, with clearly defined responsibilities. Indeed, it provides an agenda for that government, whose mere existence will not end sectarian violence.

The example of Bosnia is illustrative. Ten years ago, Bosnia was being torn apart by ethnic cleansing. The United States stepped in decisively with the Dayton Accords to keep the country whole by, paradoxically, dividing it into ethnic federations. We even allowed Muslims, Croats and Serbs to retain separate armies. With the help of U.S. troops and others, Bosnians have lived a decade in peace. Now, they are strengthening their central government, and disbanding their separate armies.

The Bush administration continues to hope that Iraqis will rally behind a strong central government that keeps the country together and protects the rights of all citizens equally. But that vision has been engulfed by the flames of sectarian hatred. There is no trust within the central government, no trust of the government by the people, no capacity by the government to deliver security and services - and no evidence that we can build that trust and capacity any time soon. There are two other ways to govern Iraq from the center: a foreign occupation that the United States cannot sustain or the return of a dictator like Saddam Hussein, who is no on the horizon.

That leaves federalism as Iraq's best possible future. But unless we help make it work for all Iraqis, it won't stop the violence. We should start with a major diplomatic offensive to convince the major powers and Iraq's neighbors that a federal Iraq is the best possible outcome for them, too. Then, together, we should convene a Dayton-like conference to move all the Iraqi parties from civil war to the negotiating table. Through a combination of pressure and reassurance, we would persuade the Sunnis to accept federalism and press the Shiites and Kurds to give the Sunnis a bigger piece of the pie.

The course we're on leads to a terrible civil war and possibly a regional war. This plan is designed to head that off. It offers the possibility - not the guarantee - of producing a soft landing for Iraq. I believe it is the best way to bring our troops home, protect our fundamental security interests, and preserve Iraq as a unified country.

The question I have for those who reject this plan is simple: what is your alternative?

Joe Biden

## A Five Point Plan for Iraq

---

### 1. Establish One Iraq In Three Regions

Federalize Iraq in accordance with its constitution by establishing three or more regions - Shiite, Sunni and Kurd -- with a strong but limited central government in Baghdad

Put the central government in charge of truly common interests: border defense, foreign policy, oil production and revenues

Form regional and local governments that give Kurds, Sunni and Shiites control over the fabric of their daily lives: security, education, marriage, social services.

### 2. Share Oil Revenues

Gain agreement for the federal solution from the Sunni Arabs by guaranteeing them 25 percent of all present and future oil revenues -- an amount roughly proportional to their size -- which would make their region economically viable

Empower the central government to set national oil policy and distribute the revenues, to attract needed foreign investment and reinforce each community's interest in keeping Iraq intact and protecting the oil infrastructure.

### 3. Convene International Conference, Enforce Regional Non-Aggression Pact

Convene with the U.N. a regional security conference where Iraq's neighbors, including Iran, pledge to support Iraq's power sharing agreement and respect Iraq's borders.

Engage Iraq's neighbors directly to overcome their suspicions and focus their efforts on stabilizing Iraq, not undermining it .

Create a standing Oversight Group, to include the major powers, that would engage Iraq's neighbors and enforce their commitments .

### 4. Responsibly Drawdown US Troops

Direct U.S. military commanders to develop a plan to withdraw and re-deploy almost all U.S. forces from Iraq by the summer of 2008

Maintain in or near Iraq a small residual force -- perhaps 20,000 troops -- to strike any concentration of terrorists, help keep Iraq's neighbors honest and train its security forces

### 5. Increase Reconstruction Assistance and Create a Jobs Program

Provide more reconstruction assistance, conditioned on the protection of minority and women's rights and the establishment of a jobs program to give Iraqi youth an alternative to the militia and criminal gangs

**Insist that other countries take the lead in funding reconstruction by making good on old commitments and providing new ones -- especially the oil-rich Arab Gulf countries**

## **Plan for Iraq: What It Is - and What It Is Not**

**Some commentators have either misunderstood the Plan, or mischaracterized it. Here is what the plan is - and what it is not:**

### **1. The Plan is not partition.**

**In fact, it may be the only way to prevent a violent partition - which has already started -- and preserve a unified Iraq. We call for a strong central government, with clearly defined responsibilities for truly common interests like foreign policy and the distribution of oil revenues. Indeed, the Plan provides an agenda for that government, whose mere existence will not end sectarian violence.**

### **2. The Plan is not a foreign imposition.**

**To the contrary, it is consistent with Iraq's constitution, which already provides for Iraq's 18 provinces to join together in regions, with their own security forces, and control over most day-to-day issues. On October 11, Iraq's parliament approved legislation to implement the constitution's articles on federalism. Prior to the British colonial period and Saddam's military dictatorship, what is now Iraq functioned as three largely autonomous regions.**

**But federalism alone is not enough. To ensure Sunni support, it is imperative that Iraqis also agree to an oil revenue sharing formula that guarantees the Sunni region economic viability. The United States should strongly promote such an agreement. The final decisions will be up to Iraqis, but if we do not help them arrange the necessary compromises, nothing will get done. At key junctures in the past, we have used our influence to shape political outcomes in Iraq, notably by convincing the Shiites and Kurds to accept a provision allowing for the constitution to be amended following its adoption, which was necessary to secure Sunni participation in the referendum. Using our influence is not the same as imposing our will. With 15,000 Americans at risk, we have a right and an obligation to make known our views.**

### **3. The Plan is not an invitation to sectarian cleansing.**

**Tragically, that invitation has been sent, received and acted upon. Since the Samarra mosque bombing in February, one quarter of a million Iraqis have fled their homes for fear of sectarian violence, at a rate now approaching 10,000 people a week. That does not include hundreds of thousands of Iraqis - many from the professional class - who have left Iraq since the war. Only a political settlement, as proposed in the Plan, has a chance to stop this downward spiral.**

### **4. The Plan is the only idea on the table for dealing with the sectarian militia.**

**It offers a realistic albeit interim solution. Realistic, because none of the major groups will give up their militia voluntarily in the absence of trust and confidence and neither we or the Iraqi government has the means to force them to do so. Once federalism is implemented, the militias are likely to retreat to their respective regions to protect their own and vie for power, instead of killing the members of other groups. But it is only an interim solution, because no nation can sustain itself peacefully with private armies. Over time, if a political settlement endures, the militia would be incorporated into regional and national forces, as is happening in Bosnia.**

### **5. The Plan is an answer to the problem of mixed cities.**

**Large cities with mixed populations present a challenge under any plan now being considered. The essence of the Plan is that mixed populations can only live together peacefully if their leadership is truly satisfied with the overall arrangement. If so, that leadership will help keep the peace in the cities. At the same time, we would make Baghdad a federal city, and buttress the protection of minorities there and in the other mixed cities with an international peacekeeping force. Right now, the prospect for raising such a force is small. But following a political settlement, an international conference and the establishment of a Contact Group, others are more likely to participate, including countries like Saudi Arabia which have offered peacekeepers in the past.**

### **6. The Plan is in the self-interest of Iran.**

**Iran likes it exactly as it is in Iraq - with the United States bogged down and bleeding. But the prospect of a civil war in Iraq is not in Tehran's interest: it could easily spill over Iraq's borders and turn into a regional war with**

neighbors intervening on opposing sides and exacerbating the Sunni-Shiite divide at a time Shiite Iran is trying to exert leadership in the Islamic world. Iran also would receive large refugee flows as Iraqis flee the fighting. Iran, like all of Iraq's neighbors, has an interest in Iraq remaining unified and not splitting into independent states. Iran does not want to see an independent Kurdistan emerge and serve as an example for its own restive 6 million Kurds. That's why Iran - and all of Iraq's neighbors -- can and should be engaged to support a political settlement in Iraq.

#### V. The Plan is in the self-interest of Sunnis, Shiites and Kurds.

The Sunnis increasingly understand they will not regain power in Iraq. Faced with the choice of being a permanent minority player in a central government dominated by Shiites or having the freedom to control their day-to-day lives in a Sunni region, they are likely to choose the latter provided they are guaranteed a fair share of oil revenues to make their region viable. The Shiites know they can dominate Iraq politically, but not defeat a Sunni insurgency, which can bleed Iraq for years. The Kurds may dream of independence, but fear the reaction of Turkey and Iran - their interest is to achieve as much autonomy as possible while keeping Iraq together. Why would Shiites and Kurds give up some oil revenues to the Sunnis? Because that is the price of peace and the only way to attract the massive foreign investment needed to maximize Iraqi oil production. The result will be to give Shiites and Kurds a smaller piece of a much larger oil pie and give all three groups an incentive to protect the oil infrastructure.

منبع : [www.PlanForIraq.com](http://www.PlanForIraq.com)